

ای نام تو بهترین سرآغاز بی نام تو نامه کی کنم باز

نامه : کتاب

معنی : ای خدایی که اسم تو بهترین سرآغاز برای هر کاری است من بدون نام تو کتاب را آغاز نمی کنم.

ای یاد تو مونس روانم جز نام تو نیست بر زبانم

یاد : ذکر / روان : جان و روح / مونس : همدم ، همراه

معنی : ای خداوندی که نام تو همدم جان و روح من است هنگام انجام کار به غیر از تو نام دیگری بر زبانم نیست .

مصرع اول تلمیح به آیه قرآن « **الا بذكر الله تطمئن القلوب** »

ای کارکشای هر چه هستند نام تو کلید هر چه بستند

هر چه هستند : موجودات جهان هستی

کارگشا : آسان کننده کار ها ، برطرف کننده مشکلات

معنی : ای برطرف کننده مشکلات موجودات جهان هستی نام تو مانند کلیدی است که مشکلات را برطرف می کند و در های بسته را باز می کند

ای هست کن اساس هستی کوته ز درت دراز دستی

هست کن : آفریننده / هستی : جهان / کوته ز درت دراز دستی : یعنی زور گویی به درگاه تو راه ندارد

معنی : ای خدایی که تمام پدیده های جهان را آفریده ای در درگاه تو تجاوز وجود ندارد .

هم قصه نانموده دانی هم نامه نانوشته خوانی

نانموده : آشکار نشده ، پنهانی

معنی : خداوندا تو از همه قصه های آشکار نشده و نامه های نوشته نشده آگاه هستی.

هم توبه عنایت الهی آنجا قدم رسان که خواهی

عنایت: لطف ، توجه

معنی: ای خدا با لطف و توجه خودت مرا به آنجا برسان که دوست داری و شایسته است .

از ظلمت خود را بی ام ده بانور خود آشنایی ام ده

ظلمت: تاریکی / خود مصراع اول: انسان / خود مصراع دوم: خدا

معنی: خدایا مرا از تاریکی های درونم نجات بده و با نور معرفت خودت آشنا کن

الهی، دلی ده که در کار تو جان بازیم «خدایا شجاعتی بده که جانمان را در راه تو فدا کنیم»

جانی ده که کار آن جهان سازیم «خدایا توانی بده تا برای پس از مرگ آماده باشیم»

دانایی ده که از راه نیفتیم «خدایا علمی بده تا گمراه نشویم»

بینایی ده تا در چاه نیفتیم ، دست گیر که دستاویز نداریم «آگاهی بده تا گمراه نشویم کمک کن زیرا یآوری نداریم»

توفیق ده ، تا در دین استوار شویم. «موافقت کن تا در دین قوی باشیم»

نگاه دار تا پریشان نشویم «ما را در راه راست حفظ کن تا پریشان نشویم»

چارپاره (دویتی پوست)

قالی شعر است که از چند بند تشکیل شده است. هر بند شامل چهار مصراع هم وزن با هم است و مصراع های زوج آن هم قافیه است و قافیه هر بند با بند های دیگر متفاوت است. محتوای چارپاره مسائل سیاسی و غنایی و اجتماعی است.

شکل کرافتی چارپاره (دویتی پوست)

الف.....

الف.....

ب.....

ب.....

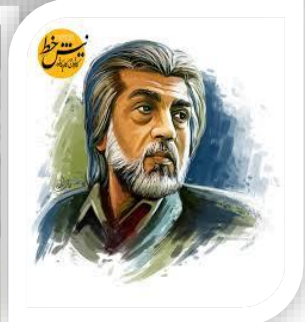
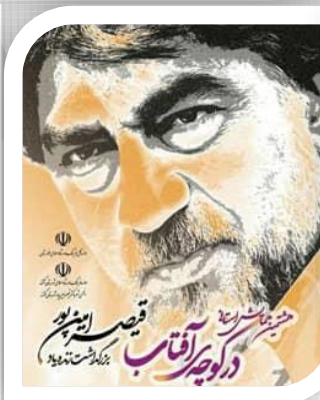
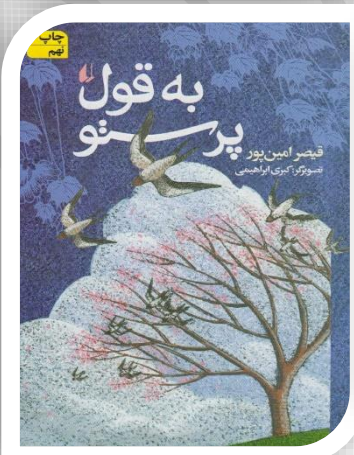
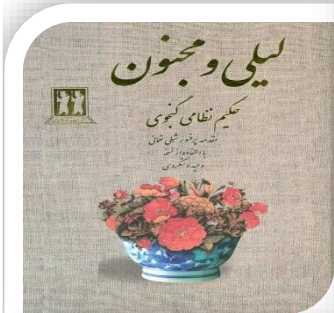
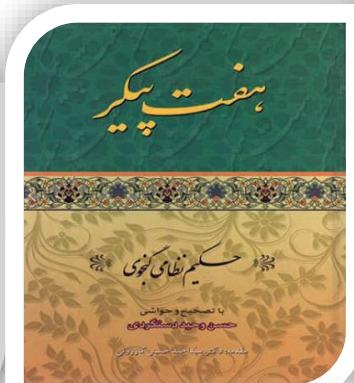
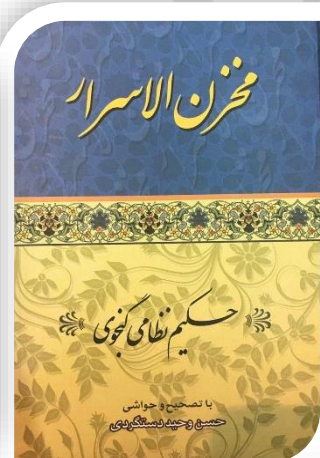
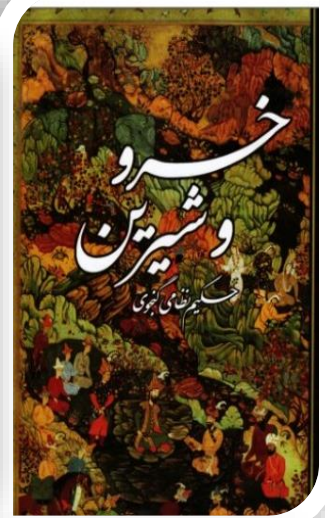
به مغرب سینه مالان قرص خورشید نهان می گشت پشت کوهساران

فرو می ریخت گردی زعفران رنگ به روی نیزه ها و نیزه داران

تاریخ ادبیات

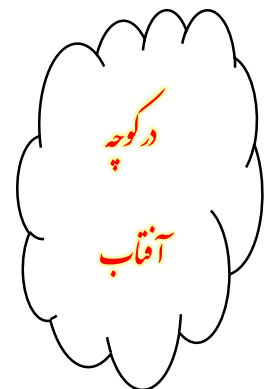
نظامی گنجیه ای: شاعر قرن 6 و 7 از جمله آثار او می توان به « خسرو و شیرین ، لیلی و مجنون ، مخزن الاسرار ،

هفت پیکر و اسکندر نامه » اشاره کرد .

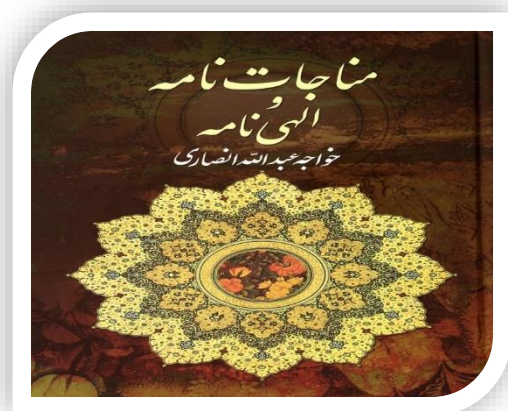


قصص این پور

شاعر معاصر از جمله آثار او می توان به «در کوچه آفتاب، تنفس صبح، مثل چشمه مثل رود، به قول پرستو و آینه های ناگهان» اشاره کرده.



خواجه عبدالله انصاری : ملقب شیخ الاسلام ، معروف به پیر هرات یا پیر انصار ، در قرن 5 در هرات به دنیا آمده است .
آثار او عبارتند از : مناجات نامه ، الهی نامه



« زنگ آفرینش »

صبح یک روز نوبهاری بود روزی از روزهای سال
بچه ها در کلاس جغل سبز جمع بودند دور هم خوشحال

بچه ها کرم گفتو بودند باز هم در کلاس غوغا بود
هر یکی برگ کوچکی در دست باز امکار، زنگ انشا بود

کرم گفتو بودن: کنایه از صحبت کردن / غوغا: آشوب و فریاد، هلهله

تا معلم ز کرد راه رسید گفت با چهره ای پراز خنده
باز موضوع تازه ای داریم «آرزوی شما آینده

ز کرد راه رسیدن: کنایه از اینکه خطای پیش وارد شد. از راه رسیدن

شبنم از روی برگ گل برخاست گفت: می خواهم آفتاب شوم
ذه ذره به آسمان بروم ابر باشم، دوباره آب شوم

شبنم: تشخیص / آفتاب شدن: کنایه از رشد و نمو کردن، به بلندی و بزرگی رسیدن / مراعات نظیر: آسمان، ابر، آفتاب / ذره ذره: کم کم / اشاره به چرخه طبیعی آب

دانه آرام بر زمین غلتید رفت و انشای کوچکش را خواند
گفت باغی بزرگ خواهیم شد تا به سبز سبز خواهیم ماند

دانه: تشخیص / دانه: جاودان، زمان بی شکلی / غلتید: از پهلویی به پهلویی دیگر چرخیدن

غنچه هم گفت: کرچه و لنگم مثل بجنند، باز خواهیم شد
بانیم بهار و بلبل باغ کرم راز و نیاز خواهیم شد

دلنگ بودن: کنایه از عکین بودن / غنچه: تشخیص / تشبیه غنچه به بجنند / مراعات نظیر: نیم، بهار، بلبل، باغ / دلنگ بودن: منظور به بودن گلبرگ های غنچه

جوجه کجنگ گفت: می خواهم فارغ از رنگ بچه باشم
روی هر شاخه جیک جیک کنم در دل آسمان رها باشم

دل آسمان: تشخیص / جوجه کجنگ: تشخیص / فارغ: آسوده، راحت

جوجه کوچک پرستو گفت: کاش بابا در بهار شوم
تا افق های دور، کوچ کنم باز پنجه بر بهار شوم

جوجه پرستو: تشخیص / افق: کرانه های آسمان، اطراف / پنجه: پیام آور

جوجه های کوتران گفتند: کاش می شد کنار هم باشیم
توی گلدت های یک گلد روز شب زائر حرم باشیم

تضاد: روز و شب / مراعات نظیر: گلدت، گلد، زائر، حرم / گلدت: مناره / زائر: زیارت کننده، دیدار کننده

زنگ تفریح را که زنجره زود باز هم در کلاس غوغا شد
هر یک از بچه ها سویی رفت و معلم دوباره تنه شد

زنجره: جیرجیرک / زنجره: آرایه تشخیص

با خود زیر لب، چنین می گفت: آرزو هایمان چه رنگین است
کاش روزی به کام خود برسید بچه ها، آرزوی من این ست

آرزوی رنگین: حس آمیزی / کام: آرزوفیل، خواسته

قافیه: به کلماتی که در پایان هر مصراع می آیند ، هم وزن باشند ، در حروف آخر با یکدیگر مشترک باشند .

ردیف: کلماتی که بعد از قافیه عیناً تکرار شوند .

سرو چمان من چرا میل **چمن** نمی کند

همدم گل نمی شود یاد **سمن** نمی کند

شوی

قالب شعری است که هر دو مصراع آن قافیه دارد و قافیه هر بیت بایت دیگر متفاوت است . (هر بیت قافیه جداگانه دارد .)

مناسب ترین قالب برای سرودن داستان های بلند و اشعار طولانی است .

شوی معنوی اثر مولانا و شاهنامه اثر فردوسی در قالب شوی سروده شده است .

شوی معنوی

شاهنامه فردوسی

شکل کرامیکی قالب شوی:

الف.....

الف.....

ب.....

ب.....

ج.....

ج.....

به نام خداوند جان و خرد / کزین برتر اندیشه برنگذرد

خداوند نام و خداوند جای / خداوند روزی ده بهمنای

خداوند کیوان و کردان سپهر / فروزنده ماه و ناهید و مهر

کلمات هم آوا: کلماتی هستند که خوانش و تلفظ یکسان دارند اما معنا و صورت نوشتاری متفاوت دارند .

خویش : خود ، فامیل / خیش : وسیله ای که با آن زمین را زیر و رو می کنند. گاوآهن

خان : بزرگ ، سرور / خوان : سفره ، بن فعل مضارع

حکایت «اندر پدر»

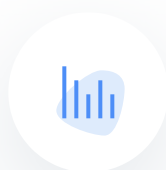
یاددارم که در ایام طفولیت، متعبد و شب خیز بودم. شبی در خدمت پدر- رحمه الله علیه- نشسته بودم و همه شب، دیده بر هم نبسته و مصحف عزیز
بر کنار گرفته و طایفه ای کردمانخته. پدر را کتم: از اینان، یکی سر بر نمی دارد تا دو گانه ای بکزارد. چنان خواب غفلت برده اند که گویی نخته اند که
مرده اند. گفت: جان پدر! تو نیز اگر نختی، به که در پوستین خلق افتی.

طفولیت : کودکی / متعبد : عبادت کننده / شب خیز : شب زنده دار / رحمه الله علیه : رحمت و درود خدا بر او باد / دیده : چشم
/ دیده بر هم نبسته بودم : کنایه از اینکه نخوابیده بودم / مصحف : قرآن / طایفه : گروه ، دسته / دو گانه : نماز صبح / سر بر نمی
دارد : بیدار نمی شود / غفلت : بی خبری ، ناآگاهی / در پوستین خلق افتادن : کنایه از غیبت و بدگویی کردن



اپلیکیشن درسی همیار

برنامه رایگان درسی همیار



تمام پایه ها

جواب کتاب ، تدریس و نمونه سوال



همیشه رایگان

برنامه همیار کاملا رایگان میباشد